

سال انتشار	۱۴۰۳	شماره انتشار	۲۰	صفحات	۱-۱۲
------------	------	--------------	----	-------	------

تحلیل فقهی حقوقی مصادیق نوپیدای عسرو حرج در حقوق خانواده ایران

آقای دکتر حسین عندلیب

گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

هدف از این پژوهش آن است که مصادیق نوپیدای عسرو حرج در حقوق خانواده ایران را از منظر فقهی حقوقی بررسی و کاوش نماید. عسر و حرج یکی از مفاهیم جای-گرفته در حقوق خانواده است. با توجه به واقعیت جامعه شناختی هر کدام از نهادهای زندگی انسانی می‌توان بر این باور بود که پیچیدگی‌های گریز ناپذیر در زندگی انسان آغاز هزاره سوم میلادی رخداد چالش‌های بسیاری را فراروی او ممکن ساخته و از این راه زیان‌های فراوانی را بر او و نیز بر سرتاسر جامعه تحمیل کرده است. به جهت گوناگونی تحولات و مصادیق رفتارها، نمی‌توان فهرستی انحصاری را از همه رفتارهایی که ممکن است به گونه‌ای به رخداد عسر و حرج منجر می‌شوند، ارائه داد. بلکه در این راستا باید تنها به یک قاعده کلی بسنده کرد و آن این که هرگاه زوجه در معرض رفتاری نامتناسب با حقوق و یا جایگاه خود قرار گیرد می‌تواند آن را در شمار فهرست مصادیق عسر و حرج جای داده و در صورت تمایل و در پرتو پیاده سازی حق بر دادخواهی خود نقش آفرینی سزاوار نظام حقوقی را در این راستا خواستار شود بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از این که: «جایگاه مصادیق نوپیدای عسرو حرج در نظام حقوق خانواده ایران چیست؟». مصادیق نوپدید عسر و حرج مصادیقی هستند که اگرچه از چشم-انداز مفهومی و با پیاده-سازی معیارهای علمی می‌توانند عسر و حرج به شمار آیند، واکاوی سزاوار این مصادیق مستلزم رعایت بایسته-هایی برای تقنین، دکتین و رویه قضایی است و خود به رخداد برآیندهای سازنده-ای چون پاسداشت حقوق زن، تواناسازی نهاد خانواده و هر کدام از دیگر نهادهای هم-پیوند می-انجامد. این پژوهش دریافته است که مصادیق نوپدید عسر و حرج زوجه در نظام حقوق خانواده ایران باید استوارانه از سوی کنشگران قضایی خانواده در هنگام صدور و اجرای حکم در کانون توجه قرار گیرد. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: حقوق خانواده، مصادیق نوپدید عسرو حرج، نهاد خانواده، زوجه، فقه، حقوق ایران.

طبقه‌بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Legal jurisprudential analysis of new examples of Asroharj in Iranian family law

Abstract

The purpose of this research is to examine and explore the emerging examples of Asroharj in Iranian family law from the perspective of legal jurisprudence. Difficulty and embarrassment is one of the concepts in family law. According to the sociological reality of each of the institutions of human life, it can be believed that the inevitable complications in human life at the beginning of the third millennium have made many challenges possible for him and in this way have imposed many losses on him and on the whole society. Due to the diversity of developments and examples of behaviors, it is not possible to provide an exclusive list of all behaviors that may lead to the occurrence of hardship and embarrassment. Rather, in this regard, one should be satisfied with only one general rule, and that is that whenever the wife is exposed to a behavior that is disproportionate to her rights or status, she can include it in the list of hardships and hardships and, if she wishes, and in light of the implementation of her right to sue, she can demand the legal system to play a worthy role in this regard. Therefore, the main question of the current research is: "The place of newly emerging hardships in the Iranian family law system. What is it? Recent cases of hardship and hardship are cases that, although they can be considered hardship and hardship from a conceptual perspective and by implementing scientific criteria, the proper analysis of these cases requires compliance with the requirements of legislation, doctrine, and judicial procedure, and it leads to the occurrence of constructive outcomes such as protecting women's rights, empowering the family institution, and any other related institutions. This research has found that the newly emerging cases of hardship and harassment of the wife in the Iranian family law system should be firmly focused on by the family justice activists when issuing and executing the verdict. The method of this research is descriptive-analytical.

Keywords: Family law, Recent examples of Asro Harij, family institution, the wife, jurisprudence, Laws of Iran.

متن مقاله

شده درصدد است بدین پرسش پاسخ دهد که جایگاه مصادیق نوپدید عسرو حرج در نظام حقوق خانواده ایران چیست؟ برای دستیابی به این هدف پس از واکاوی قلمرو مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران، مبانی، بایسته‌ها و برآیندهای آن از نظر گذرانده می‌شود.

۱- قلمرو مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران
این نوشتار به مطالعه مصادیق نوپدید نفی عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران می‌پردازد. از همین رو در آغاز سزاوار است مفهوم شناسی این مصادیق از یک سو و ویژگی‌های آنها از دیگر سو بررسی شود تا از این راه بتوان به پیاده سازی پاسخ‌های سزاوار نظام حقوقی ایران در برابر آن امیدوار بود.

۱-۱- مفهوم-شناسی

به گونه منطقی برای آنکه بتوان جایگاه مصادیق نوپدید عسر و حرج را دریافت در آغاز باید به مفهوم شناسی عسر و حرج روی آورد تا از این راه ارزیابی مصادیق نوپدید آن نیز ممکن شود.

یکی از قواعد فقهی که در زندگی بسیار کاربرد دارد و آگاهی و اطلاع از آن می‌تواند در بهبود زندگی اجتماعی و جریان عدالت بسیار تاثیر گذار باشد قاعده نفی عسر و حرج است. این قاعده از قواعد کاربردی و اساسی فقه به شمار می‌آید و تاثیر و کارایی آن در جای جای فقه به به چشم می‌خورد. به ویژه در حل مشکلات و معضلات نوپیدا در علم پزشکی نقش اساسی دارد. (قدرتی سیاهمزیگی و حیدری، ۱۴۰۰: ۸) بنابراین از دیرباز تاکنون در حقوق مدنی عرفی و شرعی بدان پرداخته شده است.

قاعده نفی عسر و حرج که بر مبنای آیات قرآن کریم بنا شده است برگرفته از آیه شریفه ما جعل علیکم فی الدین من حرج است که از جمله قواعد فقهی عام در احکام اسلامی است که در عرصه‌های مختلف از جمله در عرصه مسائل اقتصادی نیز کاربرد دارد. (مسعودی-نیا و علیزاده، ۱۴۰۱: ۲۱)

عسر و حرج به زبان ساده به مفهوم رخداد مشقت و چالش برای زوجه در نهاد خانواده است که از سوی زوج روی داده مانعی مهم برای انجام

خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است توانمندسازی آن با بهره‌گیری از آموزه‌های گوناگون علوم انسانی سرنوشت بسیاری از دیگر سازه‌های نظام اجتماعی را نیز مشخص می‌کند. حقوق خانواده شاخه‌ای از حقوق مدنی است که به واکاوی مقررات حاکم بر نهاد خانواده می‌پردازد. امروزه قانون مدنی و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ چهره تقنینی حقوق خانواده را تشکیل می‌دهند و بسیاری از مسائل گوناگون این نهاد را فرا می‌گیرند.

انتظام بخشیدن به روابط میان زوج و زوجه یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در حقوق خانواده است با توجه به برتری تاریخی زوج بر زوجه همواره گام‌هایی برای برقراری تعادل و نیز متوازن سازی جایگاه این دو کنشگر آغازین عقد نکاح برداشته شده است.

یکی از مهمترین گام‌های پیش گفته که در پیوند با حقوق بنیادین زوجه مطرح می‌شود نهاد حقوقی عسر و حرج است که هم در حقوق عرفی و هم در فقه اسلامی به گستردگی در کانون توجه نویسندگان جای گرفته است.

با پیشرفت شتابان فناوری‌های صنعتی و ارتباطی و پدیداری دگرگونی‌های گریزناپذیر در زندگی انسان بازاندیشی در مفاهیم گوناگون اجتماعی و از آن جمله حقوق خانواده نیز به میان آمده است. برای نمونه باید دید که آیا می‌توان مسائل نوپدید را نیز مصادیق تازه نهاد حقوقی عسر و حرج دانست و یا این که نظام قضایی باید در این راستا با سختگیری برخورد کند.

تردیدی وجود ندارد که هدف نهایی از پیش-بینی نهاد حقوقی پیش گفته دست یافتن به بیشترین میزان حمایت از حقوق زوجه است بدین ترتیب اندیشه-ورزی پیرامون چگونگی عملکرد نظام قضایی و از آن جمله دادگاه خانواده پیرامون مصادیق تازه نهاد عسر و حرج نیز اهمیتی شگرف دارد.

بر پایه این مراتب، این نوشتار که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته

سرتاسر جامعه تحمیل کرده است.

بدین خاطر می‌توان گفت هر کدام از قلمروهای کنشگری انسان ممکن است برای وی و یا مخاطبان او به رخداد زیان‌های بسیاری بیانجامد که گاه ممکن است به دلیل سنتی-نگری‌های نظام‌های حقوقی با پاسخ‌های مناسبی همراه نشوند.

بدین ترتیب در نهاد خانواده نیز واقعیات گوناگون موجود در زندگی انسان کنونی می‌تواند بستری برای رخداد سوء رفتار و یا هر کدام از دیگر چالش‌های رفتاری از سوی زوج و در قبال زوجه شود. به همین خاطر نمی‌توان فهرستی انحصاری را از همه رفتارهایی که ممکن است به گونه‌ای به رخداد عسر و حرج منجر می‌شوند، ارائه داد.

بلکه در این راستا باید تنها به یک قاعده کلی بسنده کرد و آن این که هرگاه زوجه در معرض رفتاری نامتناسب با حقوق و یا جایگاه خود قرار گیرد می‌تواند آن را در شمار فهرست مصادیق عسر و حرج جای داده و در صورت تمایل و در پرتو پیاده سازی حق بر دادخواهی خود نقش آفرینی سزاوار نظام حقوقی را در این راستا خواستار شود.

۱-۲-۲- دشواری احراز

دیگر ویژگی بسیار مهم مصادیق نوپدید عسر و حرج زوجه را در نظام حقوق خانواده ایران باید دشواری احراز آنها دانست. این ویژگی سبب می‌شود که آسیب‌پذیری زوجه در برابر مصادیق گوناگون سوء رفتار زوج که به آنها در قلمرو عسر و حرج پرداخته می‌شود به روشنی فزونی یافته و گاه از سوی زوج با سوء استفاده همراه شود.

بنابراین تردیدی وجود ندارد که حتی در صورت شناسایی مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران باز هم اعمال آن از سوی کنشگران دادگاه خانواده با چالش‌های عملیاتی و نظری بسیاری همراه است. در این صورت تنها دارا بودن آمادگی‌های نظری شناختی و البته تجربی دادرسان دادگاه خانواده و قضات مشاور زن می‌تواند به یاری آن دسته از زوجه‌هایی در نهاد خانواده برآید که قربانی ین مصادیق نوپدید به شمار می‌آیند.

رسالت‌های او در این نهاد و نیز استیفا هر یک از حقوق و تکالیف وی می‌شود

. به همین خاطر نفی عسر و حرج قاعده‌ای است که بر پایه آن زوجه سزاوار بیشترین حمایت‌ها است تا در پرتو آنها بتواند از گزند مشقت‌های پیش-گفته و پیامدهای برخاسته از آنها به دور باشد.

بدین ترتیب مصادیق نوپدید عسر و حرج مصادیقی هستند که اگرچه از چشم‌انداز مفهومی و با

پیاده‌سازی معیارهای علمی می‌توانند عسر و حرج به شمار آیند، اما خود ناشی از دگرگونی‌های آشکار در سبک زندگی انسان و پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی هستند که آشکارا نظام‌های حقوقی را به شناسایی آنها به منظور ترسیم رویکردهای حمایتی مناسب از زوجه وادار می‌سازند.

برای آنکه بتوان اهمیت بررسی مصادیق نوپدید اسوه حرج را دریافت می‌توان برای نمونه به واکاوی جرم شناختی آن نیز روی آورد.

به طور کلی شناسایی مناسب‌ترین و کارآمدترین شیوه‌ها برای پاسخ‌دهی به جرایم- یکی از بنیادی‌ترین وظایف حاکمیت‌ها بوده و ارزیابی جرم-شناختی معیارهای به-زمامداری و حکمرانی مطلوب نیز از این راه انجام می‌شود. (حسانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۷) بنابراین پاسخدهی کیفری و جرم-شناختی به مصادیق نوپدید عسر و حرج در مواردی که آنها به ارتکاب جرم از سوی زوج و علیه زوجه می‌انجامد اهمیتی آشکار و سرنوشت‌ساز دارد.

۱-۲-۲- ویژگی‌ها

مصادیق نوپدید عسر و حرج به مفهوم پیش گفته ویژگی‌های آشکاری دارند که در ادامه و به گونه فشرده به هر کدام از آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- گوناگونی

نخستین و مهم‌ترین ویژگی نهاد حقوقی مصادیق نوپدید عسر و حرج را باید گوناگونی آن دانست. با توجه به واقعیت جامعه شناختی هر کدام از نهادهای زندگی انسانی می‌توان بر این باور بود که پیچیدگی‌های گریز ناپذیر در زندگی انسان آغاز هزاره سوم میلادی رخداد چالش‌های بسیاری را فراوری او ممکن ساخته و از این راه زیان‌های فراوانی را بر او و نیز بر

می‌توان امیدوار بود که حق بر کیفیت زندگی شهروندان و در اینجا زوجه به خوبی روی داده است. چرا که چالش‌های رفتاری منجر به رخداد نهاد حقوقی عسر و حرج به ویژه در چهارچوب مصادیق نوپدید آن به روشنی کیفیت زندگی زوجه را از خود متأثر می‌سازد

۲-۱-۳- حق بر سلامت

حق بر سلامت برای انسان از چشم‌اندازهای گوناگون روانی، جسمانی و روان-تنی همواره تأثیری مهم و سرنوشت-ساز را در گذران سزاوار زندگی او دارد. در واقع در صورتی که حق بر سلامت به خوبی موجود نباشد انتظار می‌رود پیاده‌سازی حقوق و تکالیف گوناگون انسان نیز به چالش کشیده شده و از این راه سرتاسر زندگی او آماج رخداد آشفته‌گی یا بی‌سازمانی اجتماعی شود.

در همین راستا اسناد بین‌المللی گوناگونی بر لزوم پاسداشت حق بر سلامت شهروندان پافشاری می‌کنند و در آموزه‌های حقوق عرفی و شرعی نیز گزاره‌های بسیاری در این راستا دیده می‌شود. این یافته‌ها نشان‌دهنده تعهد همیشگی دولت‌ها به در پیش گرفتن راهکارهایی برای پاسداری از حق سلامت شهروندان خود است که در گستره نظام حقوقی از دیدگاه عملکردهای سازه‌هایی چون قانون رویه قضایی دکتترین و غیره به دست می‌آید.

با توجه به این که نهاد خانواده سهم مهمی را در راه پاسداشت سلامت شهروندان دارد، رهاندن اعضای آنها از مخاطره‌ای بسیار مهم و سرنوشت-ساز همانند چالش‌های گوناگون رفتاری منجر به رخداد پدیده عسر و حرج می‌تواند حق بر سلامت آنها را تا اندازه بسیاری تضمین کند. البته روشن است که در این قلمرو حق بر سلامت تنها به زنان محدود نمی‌شود بلکه سلامت هر کدام

از دیگر اعضای خانواده نیز که در یک چرخه متقابل درون-نهادی جای دارند، به خوبی تضمین شده و برآیندهای آن بر آرمان فراگیر توان-بخشی بیشینه‌ای به نهاد خانواده نیز به روشنی اثر می‌گذارد.

۲-۲- مبانی جامعه-شناختی

برای آگاهی از لزوم واکاوی مصادیق نوپدید عسر و حرج می‌توان به

۲-مبانی واکاوی مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران واکاوی مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران گوناگونی دارد که در ادامه به شماری از مهمترین مبانی پیش گفته پرداخته می‌شود

۲-۱-۱- مبانی حقوقی

با واکاوی آموزه‌های حقوقی می‌توان مبانی مهمی را برای شناسایی جایگاه مصادیق نوپدید عسر و حرج و پاسخدهی مناسب در برابر آنها دریافت. در این گفتار شماری از مهم‌ترین مبانی حقوقی بایسته پیش گفته از نظر گذرانده می‌شود.

۲-۱-۱-۱- حق حیات

واکاوی پرونده‌های عسر و حرج نشان می‌دهد که شماری از آنها به ویژه در صورت آمیزش با شرایط پیرامونی ممکن است حق بر حیات زوجه را آشکارا نقض کرده و مرگ وی را به همراه آورد. یکی از مهمترین چالش‌های برخاسته از پدیده عسر و حرج و به ویژه مصادیق نوپدید آنها به ستوه آوری زوجه و در نتیجه نزدیکی گام به گام او به شرایط زوال زندگی است. به همین خاطر باید پذیرفت هر اندازه که بتوان در راه پیکار با مصادیق نوپدید عسر و حرج گام برداشت، حق حیات زوجه نیز به خوبی پاس داشته می‌شود.

۲-۱-۲- حق بر کیفیت زندگی

از چشم‌انداز آموزه‌های حقوقی و از جمله حقوق بشر تنها پاسداری از حیات انسان و انجام اقدام

هم-پیوند همانند فراهم آوردن کالاهای ضروری برای او کافی نیست. بلکه افزون بر آن زندگی انسان باید همواره از بیشترین و پایدارترین کیفیت ممکن برخوردار باشد تا از این راه بتوان انتظار داشت که حقوق و تکالیف او که آشکارا در منشور بین‌المللی حقوق بشر مقرر شده به گونه بهتری بازتاب یابد.

هر اندازه که نظام حقوقی با بهره‌گیری از ابزارها و توانمندی‌های در دسترس خود در راه پیکار با مصادیق نوپدید عسر و حرج کامیاب باشد،

شاخه‌های گوناگون علوم انسانی اهمیتی بی پایان دارد.

عسر و حرج زن به ویژه در صورت رخداد مصادیق نوپدید آن که به خاطر ناآگاهی و یا ناآشنایی جامعه ممکن است آماج پاسخ‌های مناسبی قرار نگیرد می‌تواند بی‌گمان انجام سزاوار کار ویژه جامعه پذیرسازی یا اجتماعی کردن فرزندان را به مخاطره افکنده و از این دیدگاه چالش‌های اجتماعی و فردی خطرآفرین و هزینه‌زای بسیاری را برای جامعه به همراه آورد.

بنابراین باید به خاطر داشت که توانمندسازی زوجه از دیدگاه پیکار با مصادیق نوپدید عسر و حرج می‌تواند افزون بر پدیداری جایگاهی مناسب برای او سرتاسر نهاد خانواده را نیز در راه انجام رسالت‌های بنیادین خود یاری رساند.

۲-۳- مبانی فقهی

افزون بر مبانی حقوقی و جامعه شناختی مبانی فقهی گوناگونی نیز برای ستگی واکاوی مصادیق نوپدید عسر و حرج وجود دارد که در ادامه و به گونه‌ای گذرا بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۳-۱- اصل لاضرر

دیگر مبانی مهم فقهی پیرامون بایستگی واکاوی مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران، اصل لاضرر است. که اهمیت بسیاری را در راه قاعده‌گذاری برای این نهاد کمابیش نوین در کشورمان دارد.

با توجه به کاربردی بودن پیاده‌سازی قواعد گوناگون موجود در پهنه اصل لاضرر، بررسی قاعده فقهی یادشده در پیوند با مفهوم اصل لاضرر بسیار مناسب و همراه با پیامدهایی کاربردی به نظر می‌رسد. بنابراین حتی در صورت نبود نصوص قانونی مورد انتظار پیرامون مصادیق نوپدید عسر و حرج نیز باید بر این باور بود که می‌توان بر پایه اصول کلی و قواعد فقهی به پیاده‌سازی این نهاد که سودمندی‌های آن بر پایه مبانی پیش‌گفته آشکار است، پرداخت.

این قاعده بیش از هر چیز مبنایی عقلی دارد. در واقع، از جمله قواعدی که در تعدیل یا تکمیل نصوص شرعی کاربرد موثر دارد و احکام فرعی

شماری از مبانی جامعه شناختی پرداخت که زمینه سزاواری را برای این موضوع فراهم می‌کند. جامعه خطر و نیز جامعه پذیرسازی برخی از این مبانی است که در ادامه بررسی می‌شوند.

۲-۱- جامعه خطر

نخستین و مهم‌ترین مبانی جامعه شناختی توجه به جایگاه مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوقی ایران مفهوم جامعه خطر است که خود در شمار مفاهیم کارکردگرای دانش جامعه شناسی جای دارد.

اولریش بک آلمانی با اشاره به چالش‌های فراروی انسان در آغاز هزاره سوم میلادی به مفهوم جامعه خطر اشاره کرد. او در کتاب خود به نام جامعه خطر و مدرنیته [۱] و در هنگام بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های جهان در آغاز هزاره سوم، افکار عمومی را به مخاطرات برخاسته از پیچیدگی‌های گوناگون زندگی در این دوره زمانی آگاه ساخت و دست‌اندرکاران نظام‌های گوناگون اجتماعی را به درپیش‌گرفتن راهبردهای نوین و کارآمد در برابر آن فراخواند.

بر پایه رهیافت جامعه خطر نهاد خانواده با وجود همه اهمیت راهبردی خود و نیز آمیختگی با بنیادی‌ترین عواطف و احساسات انسان، به دلیل ویژگی‌های ذاتی همانند خصوصی بودن می‌تواند زمینه‌های سزاواری را برای پدیداری خطرات گوناگون در برابر هر کدام از اعضای خانواده و به ویژه زوجه و نیز فرزندان فراهم کند.

با توجه به احراز این زمینه بالقوه خطر لازم است نظام حقوقی در راستای آرمان حمایتی خود تا آنجا که ممکن است به پیاده سازی نهادهایی بپردازد که می‌توانند زوجه و یا فرزندان را در برابر این خطر محافظت کنند. بنابراین نوسازی مفهوم دیرین عسر و حرج می‌تواند گام سازنده‌ای برای پدیداری بیشترین میزان حمایت از زوجه در چارچوب نهاد خانواده به شمار آید.

۲-۲- جامعه-پذیرسازی

دیگر مبانی جامعه-شناختی برای نمایش لزوم توجه به مصادیق نوپدید عسر و حرج کار ویژه

جامعه-پذیرسازی در نهاد خانواده است که خود از چشم-انداز هر کدام از

۳-بایسته‌های واکاوی مصادیق نوپدید عسرو حرج در نظام حقوق خانواده ایران

واکاوی مصادیق نوپدید عسرو حرج در نظام حقوق خانواده ایران مستلزم رعایت بایسته‌های ویژه‌ای است که در ادامه به شماری از آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱-بایسته‌های دکترین

دکترین بخش نظری یک نظام حقوقی است که به کوشش‌های اندیشمندان پیرامون تعیین گستره نظری هر کدام از نهادهای حقوقی اشاره دارد. در پرتو پویایی‌های روی داده در زندگی انسان، اندیشه‌ورزی پیرامون چگونگی گذران زندگی او سبب می‌شود تا افزون بر ارزیابی آسیب‌شناختی گوناگون نهادهای کنونی، در صورت لزوم نهادهای تازه‌ای نیز در پرتو آینده پژوهی‌های حقوقی ر دستور کار نظام‌های حقوقی قرار گیرد.

بدین ترتیب روشن است که دکترین حقوقی نقش مهمی را در راه پویاسازی نظام حقوقی و توانا ساختن آن برای ارائه خدمات هرچه بهتر به شهروندان برعهده دارد. برای نمونه باید به خاطر داشت که با توجه به نقش فناوری در عصر امروز، شبکه‌های اجتماعی به عنوان ظرفیت و ابزار مناسب می‌توانند در تحکیم بنیان خانواده مؤثر باشند. (فیلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۵۵) بهره‌گیری از این ظرفیت مهم برای پیکار با عسر و حرج از جمله باید با بهره‌گیری از توانمندی‌های تقنینی انجام شود.

در صورتی که به هر دلیل اندیشمندان حقوقی و یا پژوهشگران شاخه‌های هم‌پیوند نتوانند رسالت‌های خود را در بخش دکترین حقوقی به خوبی انجام دهند، باید انتظار داشت که نهادهای مد نظر تا اندازه بسیاری ناکارآمد شده و از این راه زیان‌های بسیاری بر ساختار جامعه وارد آید.

مصادیق نوپدید عسر و حرج نیز باید با بهره‌گیری از روش‌شناسی‌های علمی خواه روش‌شناسی صرف حقوقی و خواب بهره‌گیری از شیوه‌های مطالعاتی دیگر شاخه‌های دانش در کانون توجه اندیشمندان قرار گیرد.

دکترین حقوقی می‌تواند نقش بسیار مهمی را در راه متقاعدسازی دست‌اندرکاران قضایی و تقنینی این نظام برای توجه هرچه بهتر به مفهوم

فراوانی از آن متفرع شده است، قاعده لاضرر یا قاعده نفی ضرر است. با آن که نصوص شرعی متعددی بعنوان مدرک قاعده مزبور مورد استناد فقها واقع شده است. اما بدون تردید، قبح ضرر و حسن جلوگیری از آن و در نتیجه نهی از اضرار، از احکامی است که عقل، صرفنظر از متون شرعی یا ادله نقلی، به آن حکم میکند و از مستندات عقلیه است. در واقع باید پذیرفت که لزوم جبران ضرر یک مسئله عقلی است و عقل در این خصوص بین امور وجودی و عدمی تفاوتی نمی‌گذارد. (یشری و محمودی، ۱۳۹۷: ۱۰۵)

قاعده لاضرر یکی از ۴ یا ۵ قاعده کلی است که بسیاری از فقه‌های اسلام آن را اساس تشکیل فقه دانسته اند؛ از اینرو، بررسی و مطالعه این قاعده در مذاهب فقهی و در نتیجه، بهره‌مندی از نظرات در ابعاد مختلف آن ضروری به نظر می‌رسد. این قاعده مهم‌ترین مستند برای جلوگیری از اعمال ضرری است و از هر ضرر مادی و معنوی به آبرو، مال و جان مومنان منع می‌نماید. (مظلوم و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷) از همین‌رو مطالعه جلوه‌های آن در نظام حقوق عرفی و از جمله مصادیق نوپدید عسر و حرج نیز وجاهت لازم خود را داراست.

۲-۳-جایگاه زن در آموزه‌های اسلامی

دیگر مبنای مهم فقهی در پیوند با بایستگی واکاوی مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران جایگاه زن در آموزه‌های اسلامی است که البته خود بازتاب دهنده یکی از مهمترین و برجسته‌ترین چهره‌های انسان‌گرایی این آیین است.

افزون بر قرآن کریم روایات گوناگونی را می‌توان یافت که بر اهمیت توانبخشی به جایگاه زن در جامعه و پاسداری از کرامت انسانی او تأکید کرده است. چنین انگاره‌هایی به روشنی نشان می‌دهد که در نهاد خانواده نیز با همه حساسیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های خود که برای آن نیز انگاره‌ها و تأکیدات بسیاری

به چشم می‌خورد، تواناسازی جایگاه زن از جمله از دیدگاه توجه به مصادیق نوپدید عسر و حرج اهمیت بسیاری دارد.

مناسب برای این مصادیق نوپدید و در نتیجه پاسداشت جایگاه زوجه در نهاد خانواده پیروزمند باشند.

۴-برآیندهای واکاوی مصادیق نوپدید عسرو حرج در نظام حقوق خانواده ایران

واکاوی مصادیق نوپدید عسرو حرج در نظام حقوق خانواده ایران برآیندهای گوناگونی را به همراه دارد که شماری از آنها در ادامه بررسی می-شود.

۴-۱-بهبود پاسداشت حقوق زن

شناسایی مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران به بایستگی پیاده سازی پاسخ های سزاوار در برابر آنها انجامیده و از این راه به نوبه خود سبب می شود که زوجه بتواند رسالت های قانونی عرفی و شرعی را که برای وی در این واحد بنیادی جامعه اسلامی پیش بینی شده به خوبی انجام دهد.

بنابراین باید پذیرفت که هر اندازه بتوان نظام حقوقی را در راه آگاهی از احتمال رخداد مصادیق نوپدید عسر و حرج و گذار از انحصار به مصادیق پیشین یاری داد، می توان امیدوار بود که هر یک از اعضای نهاد خانواده به گونه بهتری انجام داده و از این راه نهاد خانواده نسبت به گذشته توانمندتر نیز شود.

نهاد حقوقی عسر و حرج زوجه خواه در چهره های سنتی و خواه در چهره های نوپدید خود در شمار نهادهای جنسیت محور است. این نهادها با هدف حمایت از جنسیتی خاص قاعده گذاری شده و بنابراین باید در هر کدام از روندهای ارزیابی آن اثرگذاری های جنسیتی آن را به خاطر داشت.

هدف بنیادین عسر و حرج، پاسداشت حقوق زوجه در هنگام مشقت هایی است که از سوی زوج بر وی وارد می شود. به همین خاطر لازم است کوشش در راه شناسایی مصادیق نوپدید عسر و حرج به خوبی و از سوی هر کدام از کنشگران اثرگذار در آن انجام شود تا از این راه بتوان به تحقق اهداف مد نظر یاری رساند.

۴-۲-توانا شدن نهاد خانواده

مصادیق نوپدید عسر و حرج داشته باشد. در این صورت می-توان امیدوار بود چالش های کنونی توجه به این مصادیق ویژه بسیار کمرنگ شده و نظام حقوقی به گونه مناسب تری پیرامون این بایسته گریز ناپذیر فراروی خود عمل کند.

۳-۲-بایسته های تقنین

با بهره گیری از دستاوردهای دکتربین حقوقی، قانونگذار مدنی و به گونه مشخص قانونگذار خانواده نیز باید به گونه ای مقتضی در راه قاعده گذاری پیرامون نهاد حقوقی عسر و حرج کوشا باشد. البته قانونگذاری های شتاب زده پیرامون یک بایسته حقوقی می-تواند به اندازه نبود قاعده گذاری در آن راستا زیان هایی را بر سرتاسر جامعه وارد کند.

به همین خاطر از آنجا که نوسازی تقنینی در قلمرو حقوق خانواده در تاریخ حقوق معاصر ایران دارای سابقه است، به نظر می رسد با توجه به اهمیت آشکار و انکارناپذیر توجه به مصادیق نوپدید عسر و حرج، بخش تقنینی نظام حقوقی ایران باید با بهره گیری از رویکردهایی همانند دستاوردهای پژوهشگران در بخش دکتربین و نیز مطالعات تطبیقی یا هم-سنج، به بهبود عملکردهای خود در این راستا بپردازد.

۳-۳-بایسته های رویه قضایی

پس از نقش آفرینی دکتربین و نیز تقنین دادرس دادگاه خانواده و قاضی مشاور زن در این مرجع قضایی نیز باید درک مناسبی را نسبت به اهمیت توجه به مصادیق نوپدید عسر و حرج دارا باشند تا از این راه یادآوری قانونگذار در عمل نیز واقعیت یابد.

البته تردیدی وجود ندارد که تا هنگامی که قوانین تازه ای در این راه تصویب شود، این مقامات قضایی می-توانند با بهره گیری از مفهوم اختیار صلاحیددی دادرس نقش مهمی را در راه تحقق اهداف بیان شده پیرامون شناسایی مصادیق نوپدید عسر و حرج ایفا کنند.

از همین رو سزاوار است دستگاه قضایی همواره به دانش افزایی هرچه بیشتر این کنشگران پیرامون مصادیق نوپدید عسر و حرج بپردازد. افزون بر این نهادهای هم پیوندی چون کانون وکلای دادگستری نیز ا توان افزایی هرچه بیشتر وکلا می-توانند به نوبه خود در راه پدیداری جایگاهی

منطق وابستگی و اثرگذاری متقابل سازه‌های گوناگون یک نظام اجتماعی نشان می‌دهد که کارآمدسازی هر کدام از آنها می‌تواند به گونه‌ای انکارناپذیر بر عملکرد سزاوارانه دیگر سازه‌های آنها نیز اثر بگذارد. زیرا هر نهاد افزون بر آن که با ساختارسازی ویژه خود در پی دستیابی به هدف یا اهدافی ویژه است، همزمان اهدافی فراگیرتر را نیز درصدد است که باید در پی دستیابی بدانها کوشش شود.

بدین ترتیب خانواده همیشه و همه جا و در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی زیربنای جوامع و منشاء فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس بنیادین و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی خود، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است).

حسن-زاده، ۱۳۹۳: ۴۵) از همین رو کوشش‌های توانمندساز نهاد خانواده آشکارا به توانمند شدن هر چه بیشتر نهادهای اجتماعی دیگر نیز منجر می‌شود.

بنابراین آگاهی از این فرجام بسیارسازنده برای نظام اجتماعی می‌تواند کنشگران کوشا در راه تحکیم و تعالی نهاد خانواده را در راه پیاده‌سازی هر کدام از آموزه‌های گوناگون جامعه‌شناختی، جرم‌شناختی و حقوقی اثرگذار در این راه برای انجام سزاوارانه و باکیفیت‌تر رسالت‌های مقرر خود به خوبی استوار کند.

نتیجه‌گیری

نهاد خانواده برآمده از حقوق و تکالیف بازیگران گوناگونی است که در کنار هم کارویژه‌های تعیین‌شده را برای این بخش از نظام اجتماعی محقق می‌سازند. از دیرباز همانند هر کدام از دیگر شاخه‌های حقوق برای نهاد خانواده نیز قواعد عملیاتی مهمی با هدف برقراری تعادل و توازن میان طرفین پیش‌بینی شده است تا از این راه موقعیت فرودست نوعی یکی از دو طرف (زوجه) نتواند به انسجام این نهاد و رخداد اهداف جزئی یا کلی آن آسیبی را وارد کند.

خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است و تقویت آن بی‌گمان تقویت سرتاسر نظام اجتماعی و از آن جمله سازه حقوقی آن را به همراه دارد. بنابراین کوشش در راه تحکیم و تعالی نهاد خانواده در چارچوب پیاده‌سازی برنامه‌های هم‌پیوند می‌تواند سرانجام به تقویت هر چه بیشتر این نهاد یاری رسانده و همزمان برآیندهای گوناگون دیگری را نیز به همراه آورد.

در این راستا از دیرباز مفهوم حقوق واحد خانواده مطرح شده است. منظور از نظریه حقوق واحد خانواده این است که بعد از انعقاد نکاح، قواعد حقوقی واحدی بر خانواده حاکم شود که متضمن حقوق و تعهدات اعضای آن به ویژه زوجین باشد تا خانواده در جایگاه نهادی اجتماعی مورد حمایت قرار گیرد. (باریکلو و زکی-زاده، ۱۴۰۲: ۹۳)

برای دستیابی به این آرمان باید رویکردهای دارای هدف تحکیم و تعالی نهاد خانواده در هر کدام از

بخش‌های نهاد خانواده که همان روابط حقوقی سازنده این نهاد باشد، به گونه‌ای مستقل در نظر گرفته شود. در این صورت به شیوه مناسب‌تری می‌تواند بر چالش‌های عملی روی داده بر سر راه سازه‌های نهاد خانواده و نیز روابط حقوقی موجود در آن را مهار کرد تا فرجام آن عملکرد نظام خانواده مطلوب و در تراز نظام‌های حقوقی باشد.

شناسایی مصادیق نوپدید عسر و حرج در نظام حقوق خانواده ایران به بایستگی پیاده‌سازی پاسخ‌های سزاوار در برابر آنها انجامیده و از این راه به نوبه خود سبب می‌شود که زوجه بتواند رسالت‌های قانونی عرفی و شرعی را که برای وی در این واحد بنیادی جامعه اسلامی پیش‌بینی شده به خوبی انجام دهد.

بنابراین باید پذیرفت که هر اندازه بتوان نظام حقوقی را در راه آگاهی از احتمال رخداد مصادیق نوپدید عسر و حرج و گذار از انحصار به مصادیق پیشین یاری داد می‌توان امیدوار بود که هر یک از اعضای نهاد خانواده به گونه بهتری انجام داده و از این راه نهاد خانواده نسبت به گذشته توانمندتر نیز شود.

۳-۴- توانمند شدن هر چه بهتر دیگر نهادهای حقوقی

صرف بتواند اثرگذاری عوامل عینی اثرگذار را در رخداد پدیده عسر و حرج به گونه‌ای مستدل در دادنامه خود بازتاب دهد.

تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود کوشش برای آگاهی از مصادیق نوپدید عسر و حرج خواه در پژوهش‌های علمی و خواه در رویه قضایی اهداف مقرر را برای خود در بیشترین میزان ممکن محقق سازد.

در راستای یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود نظام حقوقی ایران در بخش‌های تقنین و نیز رویه قضایی مصادیق نوپدید عسر و حرج را در کانون توجه خود قرار دهد. افزون بر این دادرسان دادگاه خانواده نیز باید افزون بر دیگر بایسته‌های عملکردی خود از دانش جامعه شناختی بیشتری برخوردار باشند تا از این راه بتوان انتظار داشت در هنگام آگاهی از موضوع مهمی همانند احراز مصادیق نوپدید عسر و حرج، حکمی را که بیشتر به عدالت نزدیک‌تر بوده و بتواند رویکرد حمایتی مدنظر قانونگذار را از پیش بینی نهاد عسر و حرج محقق کند صادر نمایند.

۱- Risk Society and Modernity

نهاد حقوقی عسر و حرج گامی مهم در این راستا است که دادگاه را مکلف می‌سازد چالش‌های همیشگی یا گاهگاهی رخ-داده را در روابط میان زوج و زوجه با هدف حمایت هرچه بهتر و بیشتر از موقعیت زوجه به کار بندد.

با وجود آن که عسر و حرج در دکتین و نیز رویه قضایی جایگاهی ویژه دارد، اما پیچیدگی‌های گریزناپذیر زندگی انسان ایجاب می‌کند که نهاد پیش-گفته همواره به گونه‌ای روزآمد نگریسته شود.

به بیان دیگر در صورتی که مصادیق نوپدید عسر و حرج به خوبی از سوی کنشگران نظام‌های حقوقی نگریسته نشود، این احتمال وجود دارد که حتی با صرف هزینه‌های انسانی و غیر انسانی لازم درباره این نهاد حقوقی، اهداف مقرر آن در راستای حمایت از زوجه به خوبی روی ندهد. از چشم-انداز علمی هرگز نمی‌توان فهرستی انحصاری را از مصادیق نوپدید عسر و حرج ارائه داد. چرا که این مفهوم با توجه به ویژگی‌های فردی هر یک از زوج و زوجه و نیز پایگاه اجتماعی آنها یا عرف پیرامونی آنها کاملاً متفاوت است.

به نظر می‌رسد پیرامون مصادیق نوپدید عسر و حرج دادرسان دادگاه خانواده باید همواره نگاهی شخصی را داشته باشد و با گذار از نوعی-نگری

منابع

شبکه اجتماعی در تحکیم بنیان خانواده، مجله زنان و خانواده، شماره ۶۰، صص ۱۷۸-۱۵۵

قدرتی سیاهمزیگی، طیبه، حیدری، عرفان، (۱۴۰۰)، حدود عسر و حرج در پزشکی از منظر فقه اسلامی

مجله فقه و حقوق نوین سال دوم، شماره ۷

مسعودی-نیا، محمد، علیرضا، یعقوب، (۱۴۰۰)، ابعاد اقتصادی قاعده نفی عسر و حرج در فقه اسلام، مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره ۳، صص ۱۹-۳۰

مظلوم، علیرضا، نصیری جهان آباد، حاجتی، فتح-الله، (۱۳۹۶)، تبیین قاعده لاضرر و لاضرار در مباحث فقهی، مجله پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۳

یثربی، سید علی محمد، محمودی، جواد، (۱۳۹۷)، اثبات حکم با قاعده لاضرر، مجله پژوهش-های فقهی، دوره چهاردهم، شماره ۱

باریکلو، علیرضا، زکی-زاده، مرضیه، (۱۴۰۲)، بررسی نظریه حقوق واحد خانواده، پژوهشنامه اسلامی زنان

و خانواده، شماره ۳۱: صص ۹۳-۱۲۲

-حسانی، جلال-الدین، میرخلیلی، سیدمحمود، نظری نژاد، محمدرضا، (۱۴۰۰)،

رهیافت مدیریت ریسک جرم و جلوه های آن در نظام عدالت کیفری ایران،

پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱ (۲۳)، ۲۷-۵۲

-حسن-زاده، صالح، (۱۳۹۲)، عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی،

پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)، شماره ۱۵، ۴۵-۶۸

-فیلی، ایرج، حبی، محمدباقر، پاکیزه، محمود، (۱۴۰۱)، نقش الگوی مطلوب